

نقش کردار در درک پدیده‌ها و تأثیرات آن:
بررسی موردی پیاده‌روی اربعین

علی نوریان

موسسات تحقیقاتی و مؤسسات ادبی

a.noriyan74@gmail.com

چکیده

پیاده‌روی اربعین، فراتر از یک گردهمایی مذهبی عظیم، به کرداری فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است که پیوندهای عمیقی میان ایران و عراق برقرار می‌کند. هر سال، میلیون‌ها ایرانی راهی سفر به سوی عتبات عالیات در عراق می‌شوند و در این مسیر، جلوه‌هایی از تعاملات مذهبی، فرهنگی و اجتماعی میان ایران و عراق را به نمایش می‌گذارند. با وجود ابعاد آشکار فرهنگی و اجتماعی این رویداد، ابعاد پنهان کرداری تأثیرگذار این پدیده، تاکنون مورد توجه و بررسی کافی قرار نگرفته است. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که ابعاد کرداری پیاده‌روی اربعین چه نقشی در درک عمیق تأثیرات این پدیده عظیم ایفا می‌کنند؟ مطالعه «کردار» یا «رویه» از دیرباز مورد توجه برخی محققان مانند ایور نیومن و امانوئل آدلر بوده است، اما در سال‌های اخیر شاهد نوعی «چرخش کرداری» در ادبیات علوم اجتماعی و روابط بین‌الملل بوده‌ایم که بر اولویت توجه به عناصر کرداری در مقابل عناصر گفتگومانی در تحلیل کنش‌های بین‌المللی میان کشورها تأکید دارد. این مقاله درصدد است با استفاده از چهارچوب مفهومی کردارگرایی به بررسی ابعاد کرداری پیاده‌روی اربعین و نقش آن بر درک عمیق تأثیرات این پدیده عظیم بپردازد. در این مقاله علاوه بر داده‌های موجود در قالب کتاب‌ها، گزارش‌ها و مقالات، داده‌های دست اول از طریق انجام مصاحبه حضوری با نخبگان مرتبط با پیاده‌روی اربعین جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که برای درک عمیق پیاده‌روی اربعین، تعاملات ناشی از آن میان مردم ایران و مردم عراق و تأثیر این تعاملات، باید این پدیده را به عنوان کردار به شمار آورده و ابعاد کرداری آن را واکاوی کرد.

واژگان کلیدی: پیاده‌روی اربعین، ایران و عراق، تعاملات فرهنگی و اجتماعی، ابعاد

کرداری، کردارگرایی

The role of action in understanding phenomena and its effects: a case study of Arbaeen walking

Ali Nooryan

Research institutes and literary institutes

Abstract

The Arbaeen Walk, beyond being a massive religious gathering, has evolved into a cultural and social practice that establishes deep connections between Iran and Iraq. Each year, millions of Iranians embark on a journey to the holy shrines in Iraq, showcasing along the way the multifaceted religious, cultural, and social interactions between the two countries. Despite the evident cultural and social dimensions of this event, the hidden practical and influential aspects of this phenomenon have not yet received adequate attention and study. Based on this, the main question of the article is what role do the practical dimensions of the Arbaeen Walk play in a deep understanding of the impacts of this massive phenomenon? The study of “behavior” or “practice” has long been of interest to some researchers such as Ivor Newman and Emanuel Adler, but in recent years we have witnessed a “practice turn” in the literature of social sciences and international relations that emphasizes the priority of paying attention to practical elements versus discursive elements in the analysis of international interactions between countries. This paper aims to explore the practical dimensions of the Arbaeen Walk and its role in fostering a deeper understanding of the profound effects of this immense phenomenon by employing the conceptual framework of practice theory. In addition to existing data in the form of books,

reports, and articles, primary data was collected through face-to-face interviews with experts related to the Arbaeen Walk and analyzed. The findings of the paper suggest that to gain a deeper understanding of the Arbaeen Walk, the interactions it generates between the Iranian and Iraqi people and the impact of these interactions, this phenomenon should be considered as a practice and its practical dimensions should be explored.

Key words: Arbaeen walk, Iran and Iraq, cultural and social interactions, practical dimensions, practicalism

دور الفعل في فهم الظواهر وآثارها: دراسة حالة مشيية الأربعين

علي نوريان
معاهد البحوث والمعاهد الأدبية

ملخص البحث

تجاوزت مسيرة الأربعين كونها مجرد تجمع ديني ضخم، لتتحول إلى ظاهرة ثقافية واجتماعية تربط بين إيران والعراق بروابط عميقة. ففي كل عام، يقطع ملايين الإيرانيين رحلة شاقة إلى العتبات المقدسة في العراق، ويكشفون خلال مسيرتهم عن جوانب مختلفة للتفاعل الديني والثقافي والاجتماعي بين البلدين. على الرغم من الأبعاد الثقافية والاجتماعية الواضحة لهذه الظاهرة، إلا أن الأبعاد الخفية لتأثيرها السلوكي لم تحظْ بعد باهتمام ودراسة كافيين. على هذا الأساس، فإن السؤال الرئيسي للمقالة هو ما هي أبعاد الفعلية لمسيرة الأربعين في فهم التأثيرات العميقة لهذه الظاهرة الضخمة؟ لقد حظيت دراسة «السلوك» أو «الروتين» باهتمام

بعض الباحثين منذ فترة طويلة مثل إيفور نيومان وإيمانويل أدلر، ولكن في السنوات الأخيرة شهدنا نوعاً من «المنعطف السلوكي» في أدبيات العلوم الاجتماعية والعلاقات الدولية، والذي يؤكد على أهمية التركيز على العناصر السلوكية مقابل العناصر الخطابية في تحليل التفاعلات الدولية بين الدول. تسعى هذه المقالة إلى استكشاف الأبعاد السلوكية لمسيرة الأربعين ودورها في فهم التأثيرات العميقة لهذه الظاهرة الهائلة باستخدام إطار الشخصية المفاهيمي. بالإضافة إلى البيانات الموجودة في الكتب والتقارير والمقالات، تم جمع البيانات الأولية من خلال مقابلات شخصية مع خبراء مسيرة الأربعين وتحليلها. توضح نتائج المقالة أنه لفهم مسيرة الأربعين بشكل كامل، يجب اعتبارها شخصية وفهم أبعادها السلوكية، مع مراعاة التفاعلات الناتجة عنها بين الشعب الإيراني والعراقي وتأثير هذه التفاعلات.

الكلمات المفتاحية: مسيرة الأربعين، إيران والعراق، التفاعلات الثقافية والاجتماعية،

الأبعاد العملية، التطبيقية

مقدمة

مراسم بياده‌روی اربعين رفته‌رفته به کرداری مهم در روابط ایران و عراق تبدیل شده است. سالانه میلیون‌ها نفر از مردم دو کشور در این مراسم شرکت می‌کنند. حضور این جمعیت انبوه ایرانی و عراقی در این مراسم، بستر شکل‌گیری و گسترش تعاملات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی میان دو کشور را فراهم کرده است. حضور این جمعیت انبوه قاعدتاً در بستر گفتمان شیعی تحقق می‌یابد، اما اهمیت این مراسم را نمی‌توان به حوزه گفتمانی محدود دانست، چراکه به نظر می‌رسد برگزاری سالانه این مراسم آن را تبدیل به میدان کنش اجتماعی و سیاسی کرده است که می‌تواند بر روندهای عینی مناسبات ایران و عراق هم تأثیر بگذارد. به بیان نظری، اگرچه جهان محصول گفتمان‌هاست و پدیده‌های اجتماعی از طریق گفتمان‌ها

معنا می‌یابند؛ اما تحلیل صرفِ گفتمان‌ها نمی‌تواند به شناخت واقعیت‌های برساخته در روابط میان کشورها بینجامد و از این‌رو، باید کردارها و تأثیر آنها نیز مورد بررسی قرار گیرد (Neumann ۲۰۰۲: ۶۲۸).

قرابت فرهنگی، پیوستگی جغرافیایی و ضرورت‌های راهبردی ایران و عراق، زمینه‌ساز تعاملات گسترده و عمیق دو کشور در تاریخ معاصر بوده است. ایران قبل از انقلاب اسلامی روابط مستحکمی با برخی گروه‌های عراقی به خصوص اکراد داشت و از این گروه‌ها در راستای منافع خود بهره می‌گرفت (Reisinezhad ۲۰۱۸: ۲۸۱-۲۸۹). اما بعد از انقلاب اگرچه روابط رسمی ایران و عراق به دلیل بروز جنگ تحمیلی هشت‌ساله در بستر خصومت و دشمنی شکل گرفت (Blight, Lang, Banai, Byrne, and Tirman ۲۰۱۴)، ایران در عراق جدید بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ تلاش کرد علی‌رغم قرابت فکری بیشتر با گروه‌های شیعی، با گروه‌های سیاسی مختلف اعم از شیعیان، اکراد و سنیان عراق و همچنین نهاد مرجعیت در عراق تعامل منظم و پایداری برقرار کند (Shabani ۲۰۱۵). دستاورد این تعامل برای ایران در برخی دوره‌ها بیشتر و در برخی کمتر بوده است.

اما وجه دیگر تعاملات ایران و عراق به روابط اجتماعی و مذهبی باز می‌گردد که نمود بارز آن را می‌توان در مراسم سالانه پیاده‌روی اربعین یافت. ایران با تسهیل و تشویق حضور زائران ایرانی در مراسم اربعین تلاش کرده ضمن بازتولید قدرت اجتماعی و ایدئولوژیک خود در عرصه داخلی و منطقه‌ای، تعاملات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با عراق را ارتقاء بخشد. به موازات اهمیت مراسم پیاده‌روی اربعین در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی برای بررسی ابعاد سیاسی و بین‌المللی پیاده‌روی اربعین انجام شده است. برخی از منظر مقولات کلان به این مراسم نگریده‌اند و آن را در قالب قدرت نرم جهان اسلام (خانی ۱۳۹۶)، همگرایی جهانی (پرویش ۱۳۹۶)، ظرفیت بخشی تمدنی (باقری ۱۳۹۶) و امنیت پایدار (معینی‌پور ۱۳۹۶)

تحلیل کرده‌اند و برخی دیگر، با استفاده از مقولات خُرد به موضوع نگریسته‌اند و آن را از لحاظ قوم‌نگاری مردمی (بنی‌اسد ۱۳۹۹) و اثرگذاری اجتماعی (موسوی و بیات ۱۳۹۶) تحلیل کرده‌اند. اشکال عمده این پژوهش‌ها این است که از یک‌طرف، آرمان‌گرایانه و دور از واقعیت‌اند و کردارهای میدانی در تعاملات ایران و عراق را نادیده می‌گیرند و از طرف دیگر، فاقد چهارچوب مفهومی منسجم برای بررسی و درک عمیق تأثیرات مراسم پیاده‌روی اربعین هستند. این مقاله در صدد است با استفاده از نظریه کردارگرایی (theory Practice) این دو خلاء را برطرف کند. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که ابعاد کرداری پیاده‌روی اربعین چه نقشی در درک عمیق تأثیرات این پدیده عظیم ایفا می‌کنند؟ به این منظور، به ترتیب پیشینه پژوهش، چهارچوب مفهومی، روش‌شناسی و سپس ابعاد کرداری پیاده‌روی اربعین مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت نتیجه‌گیری خواهد آمد.

پیشینه تحقیق

غیائی، برزویی، نصیری (۱۳۹۹) در مقاله دیپلماسی فرهنگی آیین پیاده‌روی زیارت اربعین؛ ابعاد و راهبردها مهم‌ترین تأثیرات فرهنگی مراسم اربعین را شامل برقراری ارتباط با بخش‌های غیردولتی در امور پژوهشی دانشگاهی فرامرزی، بسترسازی برای گسترش گردشگری فرهنگی با تأکید بر ارتباطات میان فرهنگی در حوزه تمدن اسلامی و تمدن شیعی، ایجاد هماهنگی با حوزه‌های علمیه دیگر کشورها برای تقویت و گسترش تبلیغات اسلامی و ایجاد پژوهشکده‌های دینی مشترک در خصوص آموزه‌های سیاسی و تمدنی عاشورا می‌دانند. این مقاله دیپلماسی را در قالب طرح‌های علمی و فرهنگی میان ایران و عراق تحلیل کرده است و رویکرد نظری منسجمی در این باره ندارد. خانی (۱۳۹۶) در مقاله زیارت اربعین به‌مثابه قدرت نرم جهان اسلام فرضیه خود را بر این پایه استوار می‌کند که همبستگی، هماهنگی، مهربانی، همدلی، مهمان‌نوازی و ایجاد حس «ما بودن»، پیاده‌روی اربعین را به یک منبع عظیم قدرت نرم برای جهان اسلام به‌طور عام و جهان تشیع

به‌طور خاص تبدیل می‌کند که می‌تواند به‌عنوان یک سازوکار مؤثر برای حرکت به‌سوی همگرایی در جهان اسلام و در واقع جهانی‌سازی اسلام تلقی شود. در عین حال، سطح تحلیل مقاله خانی سطح تحلیل کلان است و به رویه‌ها و کردارهای مؤثر برای پیشبرد این همگرایی توجهی ندارد.

پرویش (۱۳۹۶) در مقاله همگرایی جهانی و راهکارهای وصول به آن از طریق گسترش فرهنگ اربعین گسترش فرهنگ اربعین را یکی از عوامل زمینه‌ساز همگرایی در جهان اسلام می‌داند؛ چراکه همبستگی و یکی شدن افراد در این مراسم می‌تواند منبع قدرت نرم برای پیشبرد دیپلماسی فرهنگی در روند همگرایی جهانی باشد. پرویش نیز از سطح تحلیل کلان به موضوع دیپلماسی فرهنگی اربعین می‌نگرد و به کردارها در سطح خرد توجهی ندارد.

معینی‌پور (۱۳۹۶) در مقاله ابعاد تحقق امنیت پایدار در پرتو مناسک دینی با تأکید بر پیاده‌روی اربعین یکی از شاخصه‌های اصلی تحقق تمدن نوین اسلامی را ایجاد امنیت پایدار می‌داند و بر این نظر است که پیاده‌روی اربعین در برخی ابعاد معرفتی، اخلاقی و رفتاری می‌تواند منجر به تولید و افزایش امنیت پایدار می‌شود. در این مقاله برای تبیین وجوه تمدنی اربعین از چهارچوب نظری باری بوزان برای بررسی ظرفیت‌های امنیت ساز اربعین استفاده شده است. اگرچه این معینی‌پور از چهارچوب نظری منسجمی استفاده کرده است اما مشکل آن این است که به کردارهایی که در بستر پیاده‌روی اربعین شکل می‌گیرد عنایت چندانی ندارد.

باقری (۱۳۹۶) در مقاله پیاده‌روی اربعین حسینی و دلالت‌های گفتمانی آن در ظرفیت بخشی تمدنی به بررسی ابعاد گفتمانی پیاده‌روی اربعین می‌پردازد. به نظر او این رویداد در بستر سه گفتمان همپوشان یعنی گفتمان حسینی، گفتمان اسلام انقلابی و گفتمان اصولگرایی شیعی شکل می‌گیرد که می‌توان دلالت‌های گفتمانی آن را شامل مبارزه با ظلم و گسترش عدالت، عاملیت انقلابی و بسط تمدنی دانست. مقاله باقری نمی‌تواند بین عناصر گفتمانی و کردارهای منبعث از پیاده‌روی اربعین رابطه تحلیلی برقرار کند.

بنی‌اسد (۱۳۹۹) در مقاله قوم‌نگاری مردم‌نگاری فرهنگ پیاده‌روی اربعین حسینی بیان می‌کند که اربعین نوعی همگرایی بین فرهنگ‌ها ایجاد کرده که منجر به تقویت و گسترش فرهنگ

عظیم جهانی مسلمانان و تشیع بدون توجه به قوم و نژاد، سن و سایر تفاوت‌های فرهنگی شده است. بنابراین ضروری است که نهادهای متولی در ایران و سازمان‌های محلی در عراق دست در دست هم دهند تا این فرهنگ را نهادینه کنند. بنی‌اسد تا حدی به موضوع کردارهای اجتماعی و نهادی شده است اما از چهارچوب مفهومی منسجمی بهره نبرده است.

موسوی و بیات (۱۳۹۶) در مقاله واکاوی اثرگذاری اجتماعی و سیاسی کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین حسینی در تعالی تشیع بیان می‌کنند که شیعیان در این گردهمایی عظیم، از طرفی ابعاد مختلف هویت اجتماعی خود را به جهانیان نشان می‌دهند و از سوی دیگر، حضور زائران در این مراسم، موجب تأثیرپذیری و تأثیرگذاری میان آن‌ها می‌شود. نگارندگان در دو بعد سیاسی و اجتماعی این سؤال را مورد بررسی قرار می‌دهند که پیاده‌روی اربعین در تعالی تفکر تشیع تأثیر داشته است و از این دریچه، به کارکردهای اجتماعی نظیر هویت‌یابی، سبک زندگی، اصلاح جامعه و همچنین کارکردهای سیاسی نظیر مقاومت، وحدت و امنیت‌آفرینی می‌پردازند. موسوی و بیات تلاش کرده‌اند کردارهای اجتماعی و سیاسی شکل گرفته در بستر مراسم اربعین را احصاء و تأثیرات آنها را بررسی کنند اما کار آنها فاقد عناصر مفهومی لازم برای تحلیل کردارهای اجتماعی و سیاسی است. پژوهش‌های پیشین درباره این موضوع، صرفاً به بعد فرهنگی، امنیتی، اخلاقی، هنجاری، مذهبی و برخی جنبه‌های محدود سیاسی و همچنین به راهبردهایی برای دیپلماسی فرهنگی و همگرایی در جهان اسلام پرداخته‌اند. این ادبیات عمدتاً با سطح تحلیل کلان و نگاه آرمان‌گرایانه و تجویزی به پیاده‌روی اربعین نگریده‌اند و نتوانسته‌اند ظرفیت کردارهای خرد پیاده‌روی اربعین برای تأثیرگذاری را از منظر یک چهارچوب مفهومی منسجم مورد بررسی قرار دهند. از این‌رو، ما در این پژوهش با استفاده از نظریه کردارگرایی به نقش ابعاد کرداری پیاده‌روی اربعین در درک عمیق تأثیرات این پدیده عظیم می‌پردازیم.

چهارچوب مفهومی: کردارگرایی

در ابتدای این مبحث به مفهوم کردار و بعد از آن به نظریه کردارگرایی می‌پردازیم. واژه کردار معادل فارسی برای واژه practice است. لغتنامه دهخدا کردار را «کوشش پیوسته در هر کار که انسان به آن مشغول باشد» تعریف کرده است. ایور نیومن کردار را کنشی می‌داند که به طور اجتماعی به رسمیت شناخته شده است. اگر سازه‌های گفتمانی زمینه کنش را پدید می‌آورند، کردار در واقع الگوهای اجتماعی شده آن کنش است. از این منظر، تحلیل کرداری به معنای بررسی الگوهای درونی شده و مادی کنش است که پیرامون فهم مشترک بازیگران شکل می‌گیرد (Neumann ۲۰۰۲: ۶۲۸). تفاوت اصلی کردار (practice) و کنش (action) در روال‌مند بودن و عادت‌وارگی کردار نهفته است. هر کنشی اگر تکرار شود و مبتنی بر عادت‌های روال‌مند باشد، نوعی «کردار» است. از این‌رو تعبیر کردار برای مراسم پیاده‌روی اربعین به این علت به کار رفته است که پیاده‌روی اربعین به‌عنوان مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از فعالیت‌های بدنی و ذهنی مختلف به همراه دانش پیشینی که در برگیرنده‌ی درک و فهم‌ها، حالت‌های احساسی و معرفت‌های انگیزشی می‌باشد، سالیان متمادی تکرار شده است.

در دهه‌های اخیر به دلیل چرخش گفتمانی (Discursive turn) در ادبیات نظری علوم اجتماعی و روابط بین‌الملل تحقیقات فراوانی درباره ابعاد معنایی، استعاری و گفتمانی موضوعات بین‌المللی اخیر انجام گرفته است (Schmidt ۱۹۹۸; Hall and Jackson ۲۰۰۷: Chp ۴; Schmidt ۲۰۱۱; Moshirzadeh ۲۰۱۵, ۲۰۱۶; Masoudi ۲۰۱۹; George ۲۰۲۱). نیومن بر این نظر است که چرخش گفتمانی در علوم اجتماعی، توجهات را به سمت پیش‌شرط‌های کنش و فهم آنها به مثابه کنش کلامی جلب کرد، اما این چرخش صرفاً بر اساس رهیافت‌های متن‌محور انجام شده و

سایر اشکال کنش را از دایره خود خارج کرده است. به نظر نیومن باید به دیدگاه‌های واقعی متفکرانی مانند ویتگنشتاین و فوکو بازگردیم که به کردارها هم به عنوان مکمل چرخش زبانی توجه داشته‌اند. بنابراین نیومن یکی از اولین نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل است که از چرخش کرداری (practice turn). به عنوان مکمل چرخش زبانی یا گفتمانی دفاع می‌کند. به نظر او فرهنگ، زاینده تعامل دوگانه کردارها و گفتمان‌ها در بستر داستان‌ها است. نیومن تحلیل گفتمان را تحلیل از راه دور و کاهلانه می‌داند که نسبت به اطلاعات میدانی و کردارهای عملی سیاست بی‌توجه‌اند. به نظر نیومن با تحلیل گفتمان می‌توان شرایط تحقق کنش را بررسی کرد، اما در چرخش کرداری، خود کنش اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد (Neumann ۲۰۰۲:۶۲۸).

در سال‌های اخیر به موازات رشد نظریه کردارگرایی در سایر حوزه‌های علوم اجتماعی مانند مطالعات هرمنوتیک (Ginev ۲۰۱۹) و مدیریت (Blackler and Regan ۲۰۰۹)، تحقیقات زیادی بر اساس نظریه کرداری روابط بین‌الملل انجام شده است (Neumann ۲۰۰۲; Hansen ۲۰۰۶; Andersen and Neumann ۲۰۱۲; Lequesne; Pouliot and Cornut ۲۰۱۵; Kustermans ۲۰۱۵; Hopf ۲۰۱۷; Faizullaev and Cornut ۲۰۱۵; McCourt ۲۰۱۶). این نظریه بر این باور است که برای درک عرصه سیاست بین‌الملل، راهی جز بررسی و تبیین کردارهای بدنی در این عرصه نیست؛ چون کنشگران بین‌المللی بیشتر تحت تأثیر عادت‌ها و امیال بدن‌مند هستند. نظریه کردارگرایی علوم اجتماعی و روابط بین‌الملل که برخی آن را سازه‌انگاری جدید هم نامیده‌اند (Eggeling ۲۰۲۱:۱۵۱)، مجموعه‌ای از رهیافت‌های نظری است که به‌جای تأکید صرف بر منافع، هنجار، هویت و زبان، تمرکز خود را بر کردارهای کنشگران قرار داده‌اند و بر ابعاد عملی و عینی تأکید دارند

(بیوگر و گادنیجر، ۱۴۰۰: ۷). این پژوهش با هدف بررسی دقیق و عمیق‌تر «تأثیر پیاده‌روی اربعین» از منظری نوین، به سراغ چهار رهیافت نظری کارآمد کردارگرایی از جمله «رهیافت اجتماع کرداری»، «رهیافت روایی»، «نظریه کنشگر-شبکه» و «جامعه‌شناسی عمل‌گرای بولتانسکی» می‌رود:

رهیات اجتماع کرداری بر اهمیت ساختارهای جمعی و فرایندهای یادگیری تأکید دارند. طبق این رهیافت، یادگیری از طریق کردارها و در تعامل با دیگران اتفاق می‌افتد و اجتماعات کرداری در بستر رفتارها و کردارها شکل می‌گیرند. بنابراین رهیافت اجتماعات کرداری حول محور دو ایده اصلی شکل گرفته است؛ اول اینکه یادگیری، کار اصلی کردار است که «دانستن» و «عمل کردن» از طریق یادگیری به هم مرتبط می‌شوند و دوم اینکه، کردار در ساختارهای اجتماعی شکل گرفته است (بیوگر و گادنیجر، ۱۴۰۰: ۷۰). در واقع رهیافت اجتماعات کرداری به این می‌پردازد که عملکرد و تعاملات اجتماعات کرداری با یکدیگر چگونه است و چگونه می‌توان این اجتماعات کرداری را مطالعه کرد؛ از این رو می‌توان از رهیافت اجتماعات کرداری به‌عنوان چهارچوبی برای درک ارتباطات و تعاملات مردم ایران و مردم عراق در پیاده‌روی اربعین استفاده کرد.

طبق رهیافت روایی، روایت‌ها به مثابه ابزارهای مهمی تلقی می‌شوند که به افراد در درک و معنا بخشیدن به تجربیاتشان، هویت‌یابی، و تعامل با دنیای اطرافشان کمک می‌کنند. این روایت‌ها، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، در طول زمان شکل می‌گیرند و بازتولید می‌شوند و نقشی اساسی در ثبات و پایداری کردارها ایفا خواهند کرد. نوع بشر ذاتاً روایتگر و داستان‌سراست و داستان‌ها جزئی از کردارها و فعالیت‌های مشترک و جمعی هستند (بیوگر و گادنیجر، ۱۴۰۰: ۸۵). روایت درعین حال که دستگاه و وسیله اصلی معنا

بخشی به کنش اجتماعی است، دستگاهی سیاسی برای تولید توافقیها و اشتراکات متقابل نیز هست. روایت‌گری یک کردار جمعی، همکاری جویانه است که در آن، روایتگران و مخاطبین به یک فهم مشترک دست پیدا می‌کنند. در نظریه کردار گرایي بین‌الملل، مفهوم روایت با کار ایور نیومن ارتباط زیادی دارد. نیومن تلاش می‌کند که مطالعه معانی در تحلیل گفتمان را با مطالعه کردارها ترکیب کند و از خلال آن به فهم بهتری از «فرهنگ» دست یابد. روایت‌ها هم می‌توانند کردارها را بازتولید کنند و هم می‌توانند مانع ادامه حیات کردارها بشوند و همین‌گونه تغییرات اجتماعی را ایجاد می‌کنند (نیومن، ۲۰۰۲، ۶۳۷). همچنین روایت‌ها می‌توانند موجب ایجاد و حفظ انسجام اجتماعی شوند و با به اشتراک گذاشتن داستان‌های مشترک، ارزش‌ها و هنجارهای جمعی را ترویج کنند و به افراد احساس تعلق به یک گروه بزرگتر را بدهند؛ این امر می‌تواند به ویژه در جوامعی که تنوع قومی، فرهنگی یا مذهبی دارند، حائز اهمیت باشد (بیوگر و گادنیجر، ۱۴۰۰: ۸۵). بنابراین، پیاده‌روی اربعین به‌طور ذاتی با روایت‌ها گره‌خورده است؛ در نتیجه، روایت‌های تولیدشده به‌واسطه پیاده‌روی اربعین، هم می‌تواند برای این مراسم عظیم فرصت‌ساز باشد و هم می‌تواند برای آن آسیب‌ها و تهدیدهایی را به وجود بیاورد.

نظریه کنشگر - شبکه مبتنی بر رابطه‌ای بودن پدیده‌ها است و به مطالعه انجمن‌ها و روابطی می‌پردازد که جهان از طریق آن‌ها بر ساخته می‌شود و نظم می‌یابد. این رهیافت به این می‌پردازد که کنشگران چگونه و به چه شیوه‌های عملی با یکدیگر مرتبط می‌شوند و چه اقدامات عملی برای برقراری و حفظ این ارتباطات لازم است و اینکه چگونه این ارتباطات باعث قدرتمند شدن کنشگران و یا موجب به چالش کشیده شدن و تغییر روابط می‌شود. ارتباط شبکه‌ها و اقدامات عملی، به پدیده‌ها و مفاهیم معنا می‌دهد و آن‌ها را برمی‌سازد. هرچقدر تعاملات در این شبکه وسعت پیدا کند، هویت افراد درون شبکه تغییر خواهد کرد

و این گونه شبکه بر ساخته خواهد شد (بیوگر و گادنیجر ، ۱۴۰۰ : ۹۸). از این رو به واسطه رهیافت کنشگر - شبکه می توان فهمید که مردم ایران و مردم عراق به عنوان کنشگران اصلی در پیاده روی اربعین از چه طریقی با یکدیگر مرتبط می شوند و برای عمیق شدن این ارتباطات باید چگونه با یکدیگر رفتار کنند و اینکه این ارتباطات چه فرصت ها و چالش هایی را ایجاد خواهد کرد.

از رهیافت جامعه شناسی عمل گرای بولتانسکی می تواند برای مطالعه کردارها استفاده کرد. در دیدگاه جامعه شناسان عمل گرا، کردارهای اجتماعی عمیقاً به تفاسیر و برداشت های شخصی کنشگران مرتبط هستند و فقط زمانی به درستی فهمیده و درک می شوند که این نقطه نظرات و تفاسیر را بتوان در نظر گرفت؛ بنابراین، این رهیافت به مطالعه توجیهاتی که کنشگران برای کردارهای خود ارائه می دهند، می پردازد. از این رو، این رهیافت بر ابعاد هنجاری و اخلاقی کردار و پویایی نهفته در پس برداشت ها و قضاوت ها تأکید دارد. کراتوکویل و هف معتقدند که میان هنجارها و کردارها ارتباط وجود دارد و هنجارها ریشه در کردارها دارند؛ بنابراین، برای تفسیر هنجارها باید به کردارها رجوع کرد و به استدلال های عملی کنشگران در وضعیت ها و موقعیت های مختلف توجه شود (بیوگر و گادنیجر ، ۱۴۰۰ : ۱۱۳). بنابراین فقط زمانی می توان تأثیرات پیاده روی اربعین را به درستی فهمید که نظرات و دیدگاه های کنشگران این مراسم را بتوان در نظر گرفت.

به عقیده امانوئل ادلر و وینسنت پولیوت به عنوان پیشگامان کردارگرایی در نظریه روابط بین الملل، انگاره ها و گفتمان ها توسط کردارها مصداق خارجی و شیئیت پیدا می کنند (بیوگر و گادنیجر، ۱۴۰۰ : ۲۳). نظریه کردارگرایی در علوم اجتماعی و روابط بین الملل، معرفت و دانش را به جای چهارچوب های ذهنی یا گفتمانی در بطن کردار قرار می دهد؛ و لذا به لحاظ

معرفت‌شناسی متعهد به بدن‌مند بودن شناخت است؛ چراکه شناخت علاوه بر مغز، عمیقاً به جنبه‌هایی از بدن کارگزاری که در محیط طبیعی و اجتماعی خاص زیست می‌کند وابسته است و بدون مداخله بدن در معناسازی و کنشگری، افکار بی‌معنی هستند و امور ذهنی به‌خودی‌خود ویژگی‌ها و خصوصیات خود را به نمایش نمی‌گذارند؛ بنابراین بدن انسان به‌عنوان عنصر اصلی در تبیین و تفسیر کردارها جایگاه محوری دارد (بیوگر و گادنیجر، ۱۴۰۰: ۱۵۲).

با تکیه بر این پشتوانه نظری رو به رشد و با تلفیق این چهار رویکرد و رهیافت، پژوهش حاضر به دنبال ارائه تصویری چندوجهی از تأثیرات مراسم سالانه اربعین از منظر کردارگرایی است.

روش‌شناسی

در این مقاله از روش کردارنگاری استفاده می‌شود؛ به این معنا که برای بررسی جنبه‌های معنایی کردار پیاده‌روی اربعین، دو نوع داده‌های دست اول و دست دوم جمع‌آوری شده است. داده‌های دست اول از طریق مصاحبه (برخی از این مصاحبه‌ها از طریق سفر به عراق و دیدار با نخبگان مرتبط با مراسم اربعین انجام شده است.) با نخبگان دخیل و مرتبط با این مراسم به دست آمده است تا بتوان به فهم همدلانه از تأثیرات این مراسم بر تعاملات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران و عراق رسید. علاوه بر این، داده‌های دست دوم از طریق روش خوانش غیرمستقیم کردارها به دست آمده است. در این روش کردارها از دریچه متون، اسناد، گزارش‌ها و محصولات بصری مرتبط با مراسم پیاده‌روی اربعین مورد خوانش قرار می‌گیرند؛ به این صورت که با استفاده از اسناد و گزارش‌های مرتبط می‌توان شرح مفصلی از فعالیت‌های انجام‌شده در خصوص پیاده‌روی اربعین به دست آورد؛ این شرح‌ها می‌تواند شامل آرشیوها، روزنوشت‌ها یا مکاتبات نوشتاری، گزارش‌های سالیانه، تلگراف‌های دیپلماتیک، صورت‌جلسات و یا صوت ضبط‌شده و رونویسی شده جلسات و نشست‌ها باشد؛ چنین اسناد و مصنوعاتی برای کردارنگاری در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ چراکه این‌ها

داده‌های تجربی اصلی در پیاده‌روی اربعین هستند. تولیدات بصری و مصنوعات مادی که نوعی مشاهده غیرمستقیم از کردار را ارائه می‌دهند نیز توانسته است درک کرداری خوبی را در این زمینه فراهم کنند.

ابعاد کرداری پیاده‌روی اربعین

درک عمیق تأثیرات پیاده‌روی اربعین، مستلزم واکاوی ابعاد مختلف کرداری این پدیده عظیم است. این ابعاد کرداری، دریچه‌ای به سوی درک عمیق‌تر پیامدها و بازتاب‌های این حرکت عظیم می‌گشاید و مسیر را برای تحلیل و بررسی دقیق‌تر آن هموار می‌سازد. پیاده‌روی اربعین در یک فرایند تدریجی به یکی از مناسک جمعی در میان شیعیان و محبین اهل بیت تبدیل شده است که اکنون در زمره پدیده‌های جمعی و اجتماعی بزرگ و کم‌نظیر جهان در ابعاد چندمیلیونی قرارگرفته است.

بعد ملیتی پیاده‌روی اربعین بر اساس چهارچوب رهیافت اجتماع کرداری

کنشگران اصلی پیاده‌روی اربعین زائران هستند. زائران با ملیت‌ها و قومیت‌های گوناگون در این مراسم شرکت می‌کنند. تعداد ملیت‌های شرکت‌کننده در مراسم اربعین به ۴۰ ملیت می‌رسد. وقتی حرف از تنوع ملیت‌ها و قومیت‌ها می‌شود خواه‌ناخواه با خرده‌فرهنگ‌های مختلف مواجه خواهیم شد. مردم عراق و مردم ایران دو بازیگر اصلی در پیاده‌روی اربعین هستند، زیرا بیشترین میزان شرکت‌کننده در این مراسم را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین پیاده‌روی اربعین، یک اجتماع کرداری مردم با مردم یا ملت با ملت است و دولت عراق و ایران نقش حمایتی را ایفا می‌کنند. بدین ترتیب از طریق رهیافت اجتماع کرداری می‌توان نقش اجتماع کرداری پیاده‌روی اربعین را به‌عنوان یک اجتماع فراملی در روابط میان ایران و عراق تبیین کرد. وزن بیشتر حضور این دو ملیت (ملت ایران و عراق) به معنای افزایش توان تعیین‌کنندگی

جهت‌دهی آن‌ها نسبت به پیاده‌روی اربعین است، اما نکته قابل‌توجه این است که هر دولتی به میزان حمایتی که از ملت و مردم خود در این پیاده‌روی انجام می‌دهد، طبیعتاً در چرخه‌ی تأثیرات و تأثرات کردار پیاده‌روی اربعین بیشتر قرار خواهد گرفت. در اجتماع کرداری پیاده‌روی اربعین گروه‌های مختلفی از مردم ایران و عراق که به‌طور غیررسمی با احساسات مشترک برای نوعی مشارکت جمعی به هم پیوند خورده‌اند، می‌توانند خطوط جدید راهبردی در تعاملات میان دو ملت و دو کشور ایجاد کنند. وقتی صحبت از تجمع و رویارویی دو ملت در میان باشد، «فهم متقابل»، «مدارای اجتماعی» و «تعامل میان فرهنگی» بسیار حائز اهمیت خواهد شد، چراکه این تجمع و رویارویی دو ملت، می‌تواند هم فرصت ساز و هم تهدید ساز باشد (کلانتری، حسینیان، ۱۴۰۱).

طبق رهیافت اجتماعات کرداری، اجتماع پیاده‌روی اربعین را به‌عنوان واحد اصلی تحلیل باید در نظر گرفت. یادگیری نوعی برقراری رابطه اجتماعی با دیگران است و از طریق کردارها تکامل می‌یابد و رشد پیدا می‌کند؛ مشارکت مردم ایران در کنار مردم عراق در پیاده‌روی اربعین نیز موجب یادگیری نسبت به فرهنگ یکدیگر می‌شود و این یادگیری میان فرهنگی، فهم متقابل و مدارای اجتماعی را بین مردم دو ملت ایجاد کرده و اجتماع پیاده‌روی اربعین را تولید و بازتولید می‌کند. بنابراین اجتماع پیاده‌روی اربعین بستر یادگیری میان فرهنگی را فراهم می‌کند و این یادگیری منجر به شکل‌گیری فهم متقابل و مدارای اجتماعی بین مردم دو ملت خواهد شد و در نهایت اجتماع پیاده‌روی اربعین به‌واسطه کردارها و تعاملات میان فرهنگی مردم ایران و عراق قوام پیدا خواهد کرد. درنتیجه، اجتماعات به‌واسطه عقاید و ذهنیت‌های مشترک قوام پیدا نمی‌کنند، بلکه به‌واسطه خود رفتارها و کردارها قوام می‌یابند؛ به عبارت دیگر، مطالعه اجتماع کرداری پیاده‌روی اربعین مبتنی بر فهم هویت‌ها نه به‌مثابه عقاید، انتظارات و ادراکات بلکه به‌مثابه کردار است.

بعد ارتباطی پیاده‌روی اربعین بر اساس چهارچوب رهیافت بازیگر- شبکه

از طریق رهیافت «کنشگر- شبکه» می‌خواهیم نحوه‌ی ارتباطات و تعاملات مردم ایران و مردم عراق را به‌عنوان کنشگران اصلی در پیاده‌روی اربعین و عمیق شدن این ارتباطات و شکل‌گیری فهم مشترک در خلال این روابط را بررسی کنیم. پیاده‌روی اربعین، دریچه‌ای به سوی تنوع فرهنگی می‌گشاید و بستری برای بروز رفتارها و آداب و رسوم گوناگون از خرده فرهنگ‌های مختلف فراهم می‌کند. تعامل میان این فرهنگ‌ها، در صورت احترام و پذیرش متقابل، می‌تواند به تبادل و همبستگی فرهنگی عمیقی منجر شود. با این حال، عدم درک و پذیرش تفاوت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تقابل و سوءتفاهم میان فرهنگ‌ها شود. از این رو عدم آشنایی آن‌ها با معیارهای فرهنگی یکدیگر منجر به تقابل فرهنگی خواهد شد.

لازمه «تعامل میان فرهنگی» شناخت، تساهل، تسامح و سطح بالای مدارای اجتماعی میان فرهنگ‌هاست؛ آنچه در پیاده‌روی اربعین در این سال‌ها مشاهده شده است ترکیبی از تعامل و تقابل میان خرده‌فرهنگ‌ها در اربعین است. باید به این نکته توجه کرد که نقش نخبگان در خرده‌فرهنگ‌ها حائز اهمیت است، چراکه این نخبگان هستند که می‌توانند بر مبانی ارزشی، هنجاری، عرفی و سبک زندگی در خرده‌فرهنگ‌ها تأثیر بگذارند، اما هنوز نمی‌توان این ادعا را داشت که در اربعین هویت جمعی ایجاد شده است (موسسه زیتون ۱۳۹۷).

شناخت روابط موجود میان کنشگران و رابطه میان آن‌ها با گروه‌ها و احزاب و نهادها در اجتماع کرداری اربعین حائز اهمیت است. وجود علایق و عقاید مشترک، ایجاد دوستی‌ها و اشتراکات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، یک شبکه روابط را در اجتماع کرداری اربعین تشکیل می‌دهد. کنشگران اصلی پیاده‌روی اربعین اعم از زائر، موبک دار، نظامی، دولتی‌ها، عتبه، خیران، سرمایه‌گذاران، رسانه‌ها، گروه‌ها و احزاب و دولت‌ها هستند؛ خواه‌ناخواه همه این کنشگران بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از هم اثر می‌پذیرند، اما میزان

آن و مستقیم و غیرمستقیم بودن آن و حوزه اثرگذاری و اثرپذیری آن باهم متفاوت است. اجتماع کرداری اربعین مبتنی بر زائر است و سایر کنشگران به دنبال اثرگذاری بر زائر هستند. بدین ترتیب اجتماع کرداری اربعین خالی از بهره‌برداری نیست، چنانچه هر اجتماع کرداری دیگر را هم مورد بررسی قرار بدهیم، آن را خالی از بهره‌برداری نمی‌یابیم، زیرا گرد هم آمدن افراد و شکل‌گیری جمعیت چندمیلیونی، کارکردها و پیامدهای اجتماعی به همراه خواهد داشت (کلانتری، حسینیان، ۱۴۰۱).

موانع تعامل‌ها و عوامل تقابل‌های مردم ایران و عراق در پیاده‌روی اربعین

همان‌طور که اشاره کردیم هنوز نمی‌توان این ادعا را داشت که در اربعین هویت جمعی ایجاد شده است. پیاده‌روی اربعین در این سال‌ها توانسته است اجتماع موقتی و نه پایدار را شکل بدهد. کردار زائران و موکب داران و تصمیم‌سازی‌ها و عملکردهای دولت - ملت تا از مهم‌ترین موانع شکل‌گیری روابط پایدار بین فرهنگی در پیاده‌روی اربعین هستند. چند عامل عمده باعث ناپایداری این روابط می‌شود، این عوامل عبارتند از:

۱. تأثیر ساختار عشیره‌ای عراقی‌ها و گروه‌بندی‌های ایرانی‌ها بر تعامل‌ها و تقابل‌ها:

برای درک بهتر تعامل‌ها و تقابل‌ها توجه به ساختار قبیله‌ای و عشیره‌ای جامعه عراق حائز اهمیت است. عشیره‌ها در عراق میزان روابط اجتماعی و سیاسی جامعه عراق را با دیگر ملت‌ها حد زیادی تعیین می‌کنند، لذا روابط اجتماعی در عراق را عشیره‌ها تشکیل می‌دهند. عشیره‌ها و قبایل عراق با بخشی از ملت ایران روابط قومی و عشیره‌ای نزدیکی دارند؛ از جمله کردهای عراق با کردهای ایران و همچنین عشایر عرب عراق با عشایر عرب جنوب ایران از لحاظ قومی و عشیره‌ای به هم گره خورده‌اند. در مقابل، ایرانی‌ها هم در پیاده‌روی اربعین سعی می‌کنند با اقوام و گروه‌های هم‌فکر و هم‌عقیده خود در

این مراسم شرکت کنند؛ بنابراین بیشتر نگرش‌های زائران، درون فرهنگی (درون عشیره‌ای و درون گروهی) است تا اینکه بین فرهنگی باشد (سادات، ۱۰۴۱).

۲. **تأثیر زبان بر تعامل‌ها و تقابل‌ها:** مهم‌ترین مسئله در پیاده‌روی اربعین بحث زبان است. تفاوت زبان امکان فهم متقابل و درک سازنده را میان ملت ایران و عراق کاهش می‌دهد و برقراری ارتباط را دشوار می‌سازد و به تبع آن مسیر تعامل و فهم متقابل و مدارای اجتماعی را سخت می‌کند. زبان هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم بر پیاده‌روی اربعین و روابط مردم ایران با مردم عراق تأثیرگذار است و می‌تواند تهدید زا باشد. در طی مصاحبه‌هایی که وجود دارد، گله‌ها و شکایت‌هایی از طرز برخورد ایرانی‌ها با عراقی‌ها به خاطر شیوه پذیرایی آن‌ها یا بهداشت آن‌ها یا حوادث زمان جنگ هشت‌ساله، به گمان اینکه عراقی‌ها زبان فارسی متوجه نمی‌شوند، وجود داشته است (موسسه زیتون، ۱۳۹۷)، اما در این سال‌ها همین که در پیاده‌روی اربعین ایرانی‌ها و عراقی‌ها در معرض تعامل با یکدیگر قرار گرفتند موجب شده است که در پی یادگیری زبان همدیگر باشند.

۳. **حافظه تاریخی:** حافظه‌ی تاریخی که مردم ایران و عراق نسبت به یکدیگر دارند، زمانی که زخم‌خورده باشد به سرعت و سهولت نمی‌تواند روابط پایداری ایجاد کند؛ از جمله تنش‌های میان قبایل و عشیره‌ها و یا خاطرات جنگ هشت‌ساله و یا اختلافات تاریخی عرب و عجمی، اهل کوفه بودن عراقی‌ها از مصادیق آن است؛ از این رو زدودن خاطرات و تصویرهای ذهنی منفی، نیازمند بازآفرینی روایت‌های جدید است و سیاست‌گذاری‌های دقیق و بلندمدت در کنار فعالیت‌های فرهنگی و دیپلماسی عمومی، بستر مناسبی برای تولید و بازتولید این روایت‌های دوستانه و ماندگار فراهم خواهد کرد. (موسسه زیتون، ۱۳۹۷).

۴. **سبک زندگی و ذائقه‌های متفاوت رفتاری نسبت به خوراک، پوشش و بهداشت:** برچسب‌هایی که ایرانی‌ها به عراقی‌ها از جهت بهداشت می‌زنند از جمله دیگر موانع به حساب می‌آید. به‌عنوان مثال، در فرهنگ عراقی نوشیدن باقی‌مانده آب نوشیدنی زائر تبرک و دارای

برکت است، اما در فرهنگ ایرانی این عمل به‌عنوان یک رفتار غیربهداشتی به شمار می‌رود که حتی ایرانی‌ها به آن واکنش نشان می‌دهند. توهین و تمسخر نوع پوشش زائرین هم از مصادیق تفاوت سبک زندگی است. عراقی‌ها با دیگر کشورهای عربی شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین از میزان مدارای اجتماعی بیشتری برخوردار هستند تا با ایرانی‌ها، به دلیل اینکه میان عراقی‌ها با دیگر افراد از دیگر کشورهای عربی، زبان و هویت عربی مشترک وجود دارد؛ بنابراین عراقی‌ها با ایرانی‌ها از میزان مدارای اجتماعی کمتری برخوردار هستند و این موضوع را به‌وضوح می‌توان در درخواست و پافشاری برخی از عراقی‌ها برای جدا کردن مسیر پیاده‌روی اربعین ایرانی‌ها از سایرین می‌توان دید. اقدامات اشتباه و کمبود مدارای اجتماعی از سوی ایرانیان، سطح پایداری ارتباطات آن‌ها با عراقی‌ها را پایین نگه‌داشته است؛ از این رو پیاده‌روی اربعین علی‌رغم حضور میلیون‌ها نفر در سطح حرکت جمعی باقی‌مانده و نتوانسته است مرزهای میان فرهنگ‌ها را کم‌رنگ‌تر و آن‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر و همدل‌تر نماید (موسسه زیتون، ۱۳۹۷). این تنوع سبک زندگی و ذائقه در پیاده‌روی اربعین به دلیل عدم فهم متقابل میان فرهنگ‌ها بیشتر در نقش تهدید عمل کرده است؛ البته در سال‌های اخیر می‌توان تسامح و مدارای میزبانان عراقی را مشاهده کرد؛ استفاده از ظروف یک‌بارمصرف در بحث بهداشت و آماده کردن چای و غذا به سبک ایرانی و حتی استفاده از آشپزهای ایرانی توسط موبک‌های عراقی برای پختن غذا با ذائقه ایرانی حکایت از این مدارا و تسامح میزبانان عراقی نسبت به ایرانی‌ها دارد (کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد اربعین، ۱۴۰۱).

۵. سیاست‌گذاری‌های دوگانه دولت ایران: سیاست‌گذاری‌های دوگانه و بعضاً اشتباه از طرف ایران چهارمین علت این عدم فهم متقابل و این عدم تعامل و مقاومت فرهنگی است (موسسه زیتون، ۱۳۹۷). این تنوع فرهنگی در پیاده‌روی اربعین با ابعاد سیاسی گره‌خورده است؛ از طرفی دولت ایران بر لزوم وحدت شیعه و سنی تأکید و تشویق می‌کند و از طرفی با برچسب‌زنی‌هایی تفرقه‌افکن به برخی از مراجعی که بخش قابل‌توجهی از شیعیان به‌خصوص شیعیان عراق از آن

تقلید می‌کنند، موجب ایجاد حساسیت و شکاف می‌شود (کلانتری، ۱۴۰۱).

۶. هویت تقلیدی: افراد شرکت‌کننده در اربعین بخصوص ایرانی‌ها بخش مهمی از هویت خود و گروه‌های خود را بر اساس مرجع تقلید خود مشخص می‌کنند. از آنجاکه اکثر مقلدین یک مرجع تقلید در سبک زندگی خود و اندیشه‌های خود پیرو آن مرجع هستند، خواه‌ناخواه تشابهات زیادی در سبک زندگی مقلدین یک مرجع به وجود خواهد آمد و یک فهم متقابل درون‌گروهی بین مقلدین آن مرجع ایجاد می‌شود. زائرین ایرانی برای مراجع تقلید غیر از مرجع تقلید خودشان احترام قائل نمی‌شوند و برخی از نزاع و درگیری‌ها به این دلیل است. ولی امر مسلمین جهان دانستن آیت‌الله خامنه‌ای در اندیشه بسیاری از زائرین ایرانی موجب درگیری‌های جدی با مقلدین سایر مراجع و توهین به آن مراجع شده است؛ حتی این جانب‌داری‌ها در حزب‌گرایی‌ها و مواضع سیاسی هم به چشم می‌خورد. آگاهی پایین و سطح مدارای اجتماعی پایین موجب می‌شود افراد نسبت به ارزش‌ها هنجارها، عرف‌ها و سبک زندگی یکدیگر آشنایی نداشته باشند و آن‌ها را مورد بی‌احترامی آگاهانه یا ناآگاهانه قرار بدهند و این‌گونه شکاف میان گروه‌ها و مردم ایران و عراق افزایش پیدا کند؛ از این رو مشابهت اندیشه و سبک زندگی مقلدین یک مرجع تقلید با خود مشابهت فرهنگی می‌آورد؛ در نتیجه مرجعیت می‌تواند نقش بسیار مؤثری در درک متقابل و تعاملات و مدارای اجتماعی بین مردم ایران و عراق ایفا کند (موسسه زیتون، ۱۳۹۷).

بعد دولتی پیاده‌روی اربعین بر اساس چهارچوب رهیافت روایی

برای مراسم اربعین سطح رایزنی‌ها بین دولتی افزایش پیدا می‌کند و سرکنسول‌های نجف و کربلا با استانداران نجف و کربلا به رایزنی می‌پردازند و در سطح دولت مرکزی عراق هم سفیر ایران مسئول امور مراسم اربعین است که با وزرا و دولت مرکزی عراق وارد رایزنی می‌شود و کلیات مراسم اربعین و تفاهم‌نامه‌هایی در خصوص مراسم اربعین امضا می‌کنند.

به‌عنوان مثال، برای پیاده‌روی اربعین چهار جلسه در یک روز بین سرکنسول ایران در کربلا با استاندار کربلا بوده است و خود استاندار نیز با تمام مسئولین ذی‌ربط جلسه تشکیل می‌دهد (حسینیان، ۱۴۰۱). این سطح از رایزنی و مداخله دولتی ایران موجب شده است که در سال‌های اخیر عمدتاً روایت‌هایی درباره‌ی ابعاد سیاسی اربعین با پیامدهای مداخله نظام جمهوری اسلامی ایران در جریان این مناسک گره بخورد (کلانتری، ۱۴۰۱).

روایت‌ها همواره با فعالیت‌های کرداری آمیخته شده‌اند و کردار دولت ایران در پیاده‌روی اربعین، روایت‌هایی را با موضوع «تمدن نوین اسلامی»، «وحدت اسلامی»، «مانور شیعیان» تولید و بازتولید کرده است و از طریق تولید این روایت‌ها تلاش می‌کند که بین مردم ایران و مردم عراق، فهم مشترک، درک متقابل، مدارای اجتماعی و قدرت نرم ایجاد کند. در این سال‌ها دولت ایران با ورود به بحث پیاده‌روی اربعین سعی کرده است از طریق برساختن روایت‌هایی، زمینه‌ای را فراهم کند که در آن فضای اعتماد متقابل و هویت جمعی (چه در سطح دولت و چه در سطح ملت) بین ایران و عراق شکل بگیرد. این روایت‌های تولیدشده در پیاده‌روی اربعین توسط دولت ایران، هم می‌تواند برای پیاده‌روی اربعین فرصت ساز باشد و هم می‌تواند برای آن آسیب‌ها و تهدیدهایی را به وجود بیاورد. این در حالی است که مراسم اربعین از جانب عراقی‌ها کاملاً جنبه مردمی دارد و یک سنت قدیمی به حساب می‌آید و در نتیجه دولت عراق به میزان دولت ایران در پیاده‌روی اربعین و مسائل آن مداخله و ورود نمی‌کند (مسجدی ۱۳۹۹).

بعد هنجاری پیاده‌روی اربعین بر اساس چهارچوب رهیافت جامعه‌شناسی عمل‌گرای لوک بولتانسکی

با توجه به اینکه رهیافت جامعه‌شناسی عمل‌گرای لوک بولتانسکی بر ارتباط میان هنجار و کردار تأکید دارد، کردار مردم ایران و عراق در پیاده‌روی اربعین تنها زمانی به‌درستی فهمیده

و درک می‌شود که عمیقاً تفاسیر و برداشت‌های شخصی آن‌ها در نظر گرفته شود؛ بنابراین با توجه به اینکه نخبگان و مردم ایران و عراق از پیاده‌روی اربعین تفاسیر و برداشت‌های متفاوتی دارند، از طریق شناخت برداشت‌ها و دیدگاه‌هایی که آن‌ها (چه در سطح دولت و چه در سطح ملت) نسبت به پیاده‌روی اربعین دارند، امکان شکل‌گیری فهم مشترک و مدارای اجتماعی بین آن‌ها وجود خواهد داشت (کلانتری، ۱۴۰۱).

نوع نگاه مردم ایران بسیار متفاوت از نوع نگاه مردم عراق نسبت به پیاده‌روی اربعین است. بخش عمده‌ای از این تفاوت ریشه در فرهنگ عراقی - عربی مردم عراق و فرهنگ ایرانی دارد. بسترهای فرهنگی متفاوت، انگیزه‌های رفتاری و کرداری متفاوت ایجاد می‌کند. در ادامه به تبیین نگاه‌ها و انگیزه‌های متفاوت مردم ایران و عراق (چه در سطح دولت و چه در سطح ملت) نسبت به پیاده‌روی اربعین می‌پردازیم.

نگاه مردم عراق به پیاده‌روی اربعین

نگاه مردم عراق نسبت به پیاده‌روی اربعین یک نگاه از باب «تکریم مهمان» است. در فرهنگ عراقی - عربی تکریم مهمان موضوع خیلی مهمی است؛ اگر مهمان عراقی‌ها قاتل پدرشان هم باشد، تا زمانی که مهمان در خانه‌ی آن‌ها است به‌غیر از پذیرایی و تکریم مهمان حرف تندی هم نخواهند زد و آن را گرامی می‌دارند، مخصوصاً اگر مهمان زائر امام حسین باشد. در فرهنگ عراقی - عربی تکریم مهمان به‌وسیله «اطعام» و «غذا دادن» انجام می‌شود. بعید است کسی (حتی اگر آن شخص غریبه باشد) موقع ظهر وارد خانه آن‌ها شود و بدون خوردن ناهار از آن خانه خارج شود؛ بنابراین موضوع اطعام و اکرام مهمان به شکل عام در فرهنگ عراقی و به شکل خاص در مقوله اربعین وجود دارد (کلانتری، ۱۴۰۱).

عراقی‌ها بهترین غذای خود را برای مهمان آماده می‌کنند و حتی خیلی اوقات برای یک مهمان حاضر هستند گوسفند قربانی کنند، حتی اگر پول کافی نداشته باشند، قرض می‌کنند.

آن‌ها برای اربعین قلکی و صندوقی دارند که در طول سال به میزان توان مالی خود دینارهای خود را برای مراسم اربعین ذخیره می‌کنند. عراقی‌ها عقیده دارند که اگر به زائر امام حسین (علیه السلام) بی‌احترامی و بی‌توجهی کنند، نتیجه این بی‌توجهی را خواهند دید؛ بنابراین باورهای مذهبی هم در فرهنگ اطعام و تکریم مهمان نقش پررنگی دارد. آن چیزی که در وهله اول برای عراقی‌ها در مقوله اربعین مهم است، اطعام و تکریم مهمان، به ویژه زائرین امام حسین (علیه السلام) است و به ابعاد دیگر مقوله اربعین توجه زیادی ندارند (سادات، ۱۴۰۱).

نگاه مردم ایران به پیاده‌روی اربعین

در ایران داستان اربعین متفاوت است. نگاه ایران نسبت به مراسم اربعین غالباً یک نگاه مبالغه‌آمیز، هیجانی و شعاری است. به‌عنوان مثال، اگر کسی یا مسئولی بخواهد کوچک‌ترین حرف درباره‌ی سهمیه‌بندی مراسم اربعین بزند با واکنش تند و اتهامات ناروای برخی از مردم روبه‌رو خواهد شد. درصد کمی از ایرانی‌ها به اربعین به‌عنوان مراسم عزاداری نگاه می‌کنند و اغلب آن‌ها تحت تأثیر فضای تبلیغاتی رسانه‌ای دولتی و هیجانانگیزی ناشی از آن و به‌ویژه داشتن نگاه سفر زیارتی - سیاحتی و داشتن شور و اشتیاق به مورد استقبال واقع شدن آن‌ها توسط مردم عراق و پذیرایی متنوع آن‌ها، به پیاده‌روی اربعین نگاه می‌کنند (سادات، ۱۴۰۱).

نگاه دولت ایران به پیاده‌روی اربعین

نگاه و سیاست دولت ایران در اربعین «ایران و العراق لا یمکن الفراق» است؛ از این رو ایران تلاش کرده است که این فضای عربی - عجمی را کاهش بدهد و بهترین ابزار برای کاهش ذهنیت و نگاه عربی - عجمی، مقوله‌های مذهبی مثل حب به ائمه اطهار (علیهم السلام) و تشویق سفرهای زیارتی عراقی‌ها به ایران و ایرانی‌ها به عراق و -به‌طور برجسته و مشخص- اهمیت به مراسم اربعین است (سادات، ۱۴۰۱). در سیاست‌های هم‌گرایی بین ایران و عراق قطعاً سفر عراقی‌ها به ایران و ایرانی‌ها به عراق تأثیر داشته و حداقل این تأثیرات، کاهش

نگاه عربی - عجمی و نگاه‌های تفرقه‌افکن بوده است. آنچه مهم است همگرایی بین دو ملت است و این مهم‌تر از همگرایی بین دو دولت خواهد بود؛ چراکه دولت‌ها بسیار متنوع و متغیر هستند؛ و این تنوع دولت و قدرت در عراق قابل مشاهده است و میزان تأثیرپذیری دولت از افکار عمومی در عراق از نسبت بالایی برخوردار است. لازم به ذکر است که علاوه بر وجود مراسم‌های مشترکی مثل پیاده‌روی اربعین، وجود شخصیت‌های مشترک مذهبی و غیرمذهبی بین دو کشور موجب شکل‌گیری سمینارها، وینارها و میزگردهای مشترکی در بزرگداشت برخی از این شخصیت‌های مشترک مثل مرحوم آیت‌الله حکیم و شهید صدر و سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس شده و روابط رسمی - دولتی بین ایران و عراق را تعمیق و تقویت کرده است (کلانتری، ۱۴۰۱).

کاهش نگاه عربی-عجمی بین مردم ایران و عراق به واسطه پیاده‌روی اربعین

موضوع عربی - عجمی در عراق که ریشه در دوران بعث و سیاست‌های بعثی دارد و در دوران جنگ تحمیلی به شدت پررنگ شده بود، اکنون رسوبات این نگاه همچنان به صورت کم‌وبیش در فضای عراق وجود دارد و این از لحاظ سیاسی و امنیتی چالش ایجاد می‌کند. بسیاری از تبلیغات عربی - عجمی که در طول سال در رسانه‌های معاند نظام حکومتی ایران و عراق پخش می‌شود، با آمدن مراسم اربعین کاهش پیدا می‌کند و تأثیرات آن در طول مراسم اربعین خنثی می‌شود (سادات، ۱۴۰۱). پیاده‌روی اربعین موجب می‌شود دو ملت ایران و عراق در معرض تعامل باهم قرار بگیرند، با یکدیگر سر یک سفره غذا بخورند، با یکدیگر مسیر پیاده‌روی را طی کنند، در خانه همدیگر مهمان بشوند و حتی باهم قرارداد تجاری امضا کنند و همچنین با یکدیگر ازدواج کنند؛ متقابلاً عراقی‌ها نیز به ایران سفر کنند و در خانه ایرانی‌ها مهمان شوند و ارتباطات صمیمانه و گسترده‌ای باهم دیگر برقرار کنند (حسینیان، ۱۴۰۱).

در مسیرهای پیاده‌روی اربعین، هر خانواده عراقی تعدادی دوست ایرانی پیدا می‌کند و از طریق واتساپ و شبکه‌های اجتماعی این دوستی و پیوند را ادامه می‌دهند و همدیگر را دعوت می‌کنند و این رفتارهای متقابل و مهمانی - میزبانی‌های متقابل تحت عنوان «دیپلماسی مهمانی - میزبانی»، تأثیرات و بازتاب سیاسی و امنیتی بسیار خوبی تاکنون داشته و خواهد داشت؛ به‌عنوان مثال، در پی اعتراضات گذشته‌ی مردم عراق در کربلا و آتش زدن کنسولگری ایران در کربلا، قبل و بعد از مراسم اربعین فضای ناامنی ایجاد شد، اما در دو هفته و سه هفته‌ی ایام اربعین، فضای امن و آرامی شکل گرفت (سادات، ۱۴۰۱)؛ بنابراین باید نگاه مردم عراق به ملت ایران و نگاه آن‌ها به دولت ایران را از هم تفکیک کرد. نگاه دوستی و همگرایی عراقی‌ها نسبت به ملت ایران به این معنا نیست که آن‌ها نسبت به دولت ایران هم‌چنین نگاه مثبتی را داشته باشند. عراقی‌ها مردم ایران را از دولت ایران کاملاً تفکیک می‌کنند و این تفکیک در رفتار و گفتار آن‌ها قابل مشاهده است، اما به‌رحال روحیه و رفتاری که عراقی‌ها در ایام مراسم اربعین دارند کاملاً متفاوت با فردای مراسم اربعین است.

نتیجه‌گیری

نظریه‌پردازگرایی به ما می‌آموزد که توجه صرف به سازه‌های گفتمانی نمی‌تواند به تحلیل دقیق واقعیت‌های برساخته در روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها منجر شود، بلکه کردارها و تأثیر آنها نیز باید مورد تحلیل قرار بگیرد. بر مبنای این رویکرد نظری، سؤال اصلی مقاله این بود که ابعاد کرداری پیاده‌روی اربعین چه نقشی در درک عمیق تأثیرات این پدیده عظیم بین المللی ایفا می‌کنند؟ نگارنده با جمع‌آوری داده‌های دست اول از طریق مصاحبه با نخبگان درگیر در مراسم اربعین و همچنین مطالعه اسناد، گزارش‌ها و محصولات بصری مرتبط، به این نتیجه رسیده است که پیاده‌روی اربعین پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که ابعاد مختلفی از تعاملات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی بین ایران و عراق را در بر می‌گیرد و درک عمیق این پدیده و تعاملات ناشی از آن میان مردم ایران و مردم عراق و تأثیر این تعاملات،

مستلزم واکاوی ابعاد مختلف کرداری آن، اعم از ابعاد ملیتی، دولتی، ارتباطی، هنجاری است. بنابراین پیاده‌روی اربعین پدیده‌ای پویا و در حال تحول است که ابعاد مختلفی از روابط بین ایران و عراق را تحت تأثیر قرار می‌دهد و درک عمیق این پدیده مستلزم توجه به ابعاد مختلف آن و بررسی تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر است. از این منظر می‌توان این ادعای نظریه‌پردازان کردارگرایی را تأیید کرد که کردارها دارای شأن هستی‌شناختی در عرصه بین‌المللی هستند؛ به این معنا که مستقلاً می‌توانند بر پدیده‌های بین‌المللی اثر بگذارند.

مقالات، کتاب‌ها و مصاحبه‌ها

۱. باقری (۶۹۳۱) پیاده‌روی اربعین حسینی و دلالت‌های گفتمانی آن در ظرفیت بخشی تمدنی، سومین همایش زیارت اربعین.

۲. بنی‌اسد، رضا (۱۳۹۹) قوم‌نگاری فرهنگ پیاده‌روی اربعین حسینی: تحلیل‌ها و راهبردهای تصمیم‌گیری در نهادهای انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی دین و ارتباطات، سال بیست و هفتم، شماره اول، ۵۷-۹۵.

۳. بیوگر، کریستین و فرانک گادنیجر (۱۴۰۰) نظریه کردارگرایی بین‌الملل: چشم‌اندازهای نوین، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی و ماندانا سجادی، تهران، ابرار معاصر

۴. پرویش، محسن (۱۳۹۶) همگرایی جهانی و راهکارهای وصول به آن از طریق گسترش فرهنگ اربعین، چکیده مقالات سومین همایش بین‌المللی لقاء الحسین، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

۵. توحید فام، محمد و مرضیه حسینیان امیری (۱۳۸۸) فراسوی کنش و ساختار، تهران، گام نو

۶. جوزف نای (۱۳۸۷)، قدرت نرم، روحانی و ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

پژوهشکده مطالعات منطقه تحقیقات بسیج.

۷. خانی، محمد (۱۳۹۶) آیین اربعین به مثابه منبع قدرت نرم جهان اسلام، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی لقاء الحسین، جلد ۴، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

۸. غیائی، هادی؛ محمدرضا برزویی و امید نصیری (۱۳۹۹) ابعاد و راهبردهای دیپلماسی فرهنگی آیین پیاده‌روی زیارت اربعین، ابعاد و راهبردها، سیاست و روابط بین‌الملل، سال چهارم، شماره ۷، ۲۲۲-۲۴۷.

۹. گزارش‌های موسسه فرهنگی زیتون در خصوص پیاده‌روی اربعین، ۱۳۹۷.

۱۰. معینی پور، مسعود (۱۳۹۶) ابعاد تحقق امنیت پایدار در پرتو مناسک دینی با تأکید بر پیاده‌روی اربعین، سومین همایش زیارت اربعین.

۱۱. موسوی، سید محمد و رضا بیات (۱۳۹۶) واکاوی اثرگذاری اجتماعی و سیاسی کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین حسینی در تعالی تشیع، سومین همایش زیارت اربعین.

۱۲. مصاحبه با احمدی رئیس کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد اربعین، ۱۴۰۱.

۱۳. مصاحبه با سادات در کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در نجف، ۱۴۰۱.

۱۴. مصاحبه با حسینیان (سرکنسول سابق جمهوری اسلامی ایران در کربلا و مدیرکل خاورمیانه و شمال آفریقا وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران)، ۱۴۰۱.

۱۵. مصاحبه با مسجدی (سفیر سابق ایران در بغداد)، ۱۳۹۹.

۱۶. مصاحبه با کلانتری (دستیار مدیرکل خاورمیانه و معاون سابق نمایندگی کربلا)، ۱۴۰۱.

1. Andersen, Morten Skumsrud, and Iver B. Neumann. (2012) Practices

- as Models. A Methodology with an Illustration Concerning Wampum Diplomacy. *Millennium: Journal of International Studies* 40 (3): 457–481.
2. Baykurt, Burcu, Victoria de Gracia, Eds. (2021) Soft-power internationalism. Competing for cultural influence in the 21st-century global order. New York: Columbia University Press.
 3. Blackler, Frank, and Suzanne Regan. (2009) Intentionality, Agency, Change. *Practice Theory and Management. Management Learning* 40 (2): 161–176.
 4. Blight, James G., Janet M. Lang, Hussein Banai, Malcolm Byrne, and John Tirman. (2014) *Becoming enemies. U.S.-Iran relations and the Iran-Iraq War, 1979-1988* / James G. Blight, Janet M. Lang, Hussein Banai, Malcolm Byrne and John Tirman ; foreword by Bruce Riedel. Lanham: Rowman & Littlefield.
 5. Eggeling, Kristin Anabel. (2021) At Work with Practice Theory, 'Failed' Fieldwork, or How to See International Politics in An Empty Chair. *Millennium: Journal of International Studies* 50 (1): 149–173.
 6. Faizullaev, Alisher, and Jérémie Cornut. (2017) Narrative practice in international politics and diplomacy. The case of the Crimean crisis. *Journal of International relations and Development* 20 (3): 578–604.
 7. George, Ann Mary. (2021) *Constructing the China threat. The Indian*

- strategic community's discursive interpretation of the East China Sea ADIZ. *Commonwealth & Comparative Politics* 59 (3): 296–318.
8. Ginev, Dimitri. (2019) Conceptualizing the human body within practice theory. *Social Science Information* 58 (1): 121–140.
 9. Hall, Martin, Patrick Thaddeus Jackson, Eds. (2007) *Civilizational Identity. The Production and Reproduction of "Civilizations" in International Relations*. New York: PALGRAVE.
 10. Hansen, Lene. (2006) *Security as practice. discourse analysis and the Bosnian war*. New York: Routledge.
 11. Hopf, Ted. (2017) Change in international practices. *European Journal of International Relations* 24 (3): 687–711.
 12. Kustermans, Jorg. (2015) Parsing the Practice Turn. *Practice, Practical Knowledge, Practices. Millennium: Journal of International Studies* 44 (2): 175–196.
 13. Lequesne, Christian. (2015) EU foreign policy through the lens of practice theory. A different approach to the European External Action Service. *Cooperation and Conflict* 50 (3): 351–367.
 14. Masoudi, Heidarali. (2019) Metaphorical incarnations of the "other" and Iranian International Relations discourses. *European Journal of International Relations* 25 (3): 748–771.
 15. McCarthy, Daniel R. (2015) *Power, Information Technology, and*

- International Relations Theory: The Power and Politics of US Foreign Policy and the Internet: Palgrave Macmillan.
16. McCourt, David M. (2016) Practice Theory and Relationalism as the New Constructivism. *International Studies Quarterly* 60 (3): 475–485.
 17. Moshirzadeh, Homeira. (2015) International Relations in Iran and its Discursive Dynamics. *Iranian Review of Foreign Affairs* 5 (4): 5–45.
 18. Moshirzadeh, Homeira. (2016) Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy. *Security Dialogue* 38 (4): 521–543.
 19. Mustajoki, Arto S., E. IŪ Protasova, and Maria N. Yelenevskaya. (2020) The soft power of the Russian language. Pluricentricity, politics and policies. London: Routledge.
 20. Neumann, Iver B. (2002) Returning practice to the linguistic turn: the case of diplomacy. *Millennium-Journal of International Studies* 31 (3): 627–651.
 21. Nye, Joseph S. (2004) Soft power. The means to success in world politics. New York: Public Affairs.
 22. Pouliot, Vincent, and Jérémie Cornut. (2015) Practice theory and the study of diplomacy. A research agenda. *Cooperation and Conflict* 50 (3): 297–315.
 23. Reisinezhad, Arash. (2018) The Shah of Iran, the Iraqi Kurds, and the Lebanese Shia. Basingstoke, Hampshire: Palgrave Macmillan.

24. Schmidt, Brian C. (1998) *The Political Discourse of Anarchy. A Disciplinary History of International Relations*: State University of New York Press.
25. Schmidt, Sebastian. (2011) *To Order the Minds of Scholars. The Discourse of the Peace of Westphalia in International Relations Literature*. *International Studies Quarterly* 55 (3): 601–623.
26. Shabani, Mohammad Ali. (2015) *Making Sense of Iran's Iraq Policy: Broader Parameters of Iranian Interests*.
27. Wilson, Jeanne L. (2015) *Soft Power. A Comparison of Discourse and Practice in Russia and China*. *Europe-Asia Studies* 67 (8): 1171–1202.